

کارگران جهان متحد شوید!

خامنه ای مسئول قتل عام جمعی کرونا، باید مجازات شود!

(صحبتی با مردم - رحمان حسین زاده)

۶۱۰ مسئله کرونیت

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۵ شهریور ۱۴۰۰ - ۲۷ اوت ۲۰۲۱

رئیی در اس کابینه جنایتکاران حرفه ای!

صفحه ۵

جمال کمانگر

بیانیه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

هفت تپه، بعد از خلع ید

بدنبال چهل روز اعتصاب کارگران هفت تپه برسر خواستهای فوری از جمله اعلام و اجرای حکم خلع ید که قبل از سال نو صادر شده بود و به دلیل محاسبات و بهره داری انتخاباتی و سیاسی جناح ها و برخی تمهیدات دیگر رسماً اعلام نشده بود، بالاخره روز سه شنبه دوم شهریور متن حکم اعلام و علنی شد. مبارزه کارگران هفت تپه برای خلع ید از مالک بخش خصوصی به ثمر نشست و کارفرمای فاسد و اختلاسگر را همراه با تیم مدیرانش پائین کشید و از هفت تپه بیرون انداخت. این یک پیروزی شایان در مبارزه ای سخت و پر پیچ و خم است که تنها با استقامت، اتحاد، هشیاری، کوتاه نیامدن و پیگیری محقق شد. این پیروزی را به کارگران هفت تپه صمیمانه تبریک می گوئیم.

وقتی روزنامه جوان پنهان نمی کند

کرونا و جنایت رژیم اسلامی

صفحه ۸

سعید یگانه

حکومت همه شمول

اسم رمز "مشارکت بر سر سفره خالی زحمتکشان افغان"

صفحه ۹

نادر شریفی

ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

کارگران با گرفتن حقوق های معوق و اعلام رسمی خلع ید، در آخرین اجتماعشان در درون شرکت و طی مجمعی که برگزار کردند، تصمیم گرفتند که اعتصاب را خاتمه دهند و برای تحول کنونی و مسائل مهم مطرح آمده و از شرکت و اموال آن محافظت کنند. در چند ماه کنونی تا مقطع انتخابات و بعد از آن، البته دست کارفرمای خلع ید شده باز بود که هر کاری انجام دهد. از جمله آنچه در انبارها بود از شکر تا دیگر محصولات سال را بفروش برساند و تخلیه کند و برای تقابل با کارگران دست به هر کاری بزند. با این حال کارگران متحد و هشیار از قبل

صفحه ۲

سیاوش دانشور

یادداشتهای

علیه #طالبان

مرزها را باز کنید، این زمین به همه تعلق دارد!

در باره فیلم دوربین های زندان اوین

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حضرات اتاق بازرگانی و کارفرمایان را مکرر نکنند. بخش سپاهی و نهادهای وابسته به سپاه طرح تعاونی آوردند و سرمایه دارانی چون یاراحمدی امیدوار بودند که هفت تپه را با دادن میزان کمی از سهام آن به کارگران با طرح تعاونی تصرف کنند. این طرح جواب خود را همان موقع گرفت اما گاهاً از زبان مسئولینی طرح میشود، ظاهراً هنوز از تک و تا نیاقتاده اند.

هفت تپه، بعد از خلع ید ...

از انتخابات دست به اعتصاب و اعتراض زدند و تا رسمیت دادن علنی به خلع ید روی حرفشان ماندند.

از "نقطه صفر" و تلاشهای جدید

کارگران هفت تپه از "نقطه صفر" سخن گفتند. نقطه ای که اشاره به نفی تجربه خصوصی سازی در هفت تپه و آغاز بازسازی مجتمع و پیگیری مسائل و خواستههای کارگری دارد. نقطه ای که تازه سکوتی است برای جهش های بزرگتر و تحکیم دستاوردها و ارتقای آن. معنای پیروزی بر بخش خصوصی در لحظه حاضر اینها هستند: طرح اخراج و باصلاح تعدیل دو هزار نفری کارفرما و مدیرانش که علناً اعلام شده بود منتفی شد. مهمتر، نابودی هفت تپه و تغییر کاربری شرکت توسط کارفرمایان بخش خصوصی که به زندگی تعداد زیادی گره میخورد، شکست خورد. شکل دادن به سطحی از نمایندگی از فعالین و رهبران محبوب و مورد اعتماد کارگران در مذاکرات، مزوی کردن تمام و کمال شورای اسلامی عامل کارفرما، ایجاد وحدتی نسبتاً قوی میان کارگران و تکیه کردن به سنت شورائی و خرد جمعی برای تصمیم گیری ها، علیرغم همه کمبودها و ضعف هائی که وجود داشته اند، از دستاوردهای انکار ناپذیر و تاکنونی این مبارزه است. فعلاً از تاثیر مبارزه پرشکوه و تجربه و خط مشی کارگران هفت تپه بر جنبش کارگری و کانون های سیاسی میگذرم. هفت تپه به نماد مبارزه جویی و حق طلبی کارگری بدل شده و پیروزی امروزش نیز حاصل همین اتحاد کارگری و رزم پیگیر است. بازگشت به کار همکاران اخراجی، دفاع از وکیل شرافتمند کارگران خانم فرزانه زیلابی، خواست واکسیناسیون فوری و رایگان کارگران و همه مردم، و لیستی از خواستها باید پیگیری شود. در ایندوره کارگران هفت تپه یک حامی اعتراضات شکوهمند کارگری و اعتراضات توده ای در خوزستان بودند و به طرح محدودیت و انسداد اینترنت اعتراض کردند.

تکاپوی طرفداران "خصوصی سازی خوب"!

از زمانی که بحث نفی خصوصی سازی جدی شد و مسائل مترتب به آن و موضوع فساد مربوط به این روند در سطح استان و کشور عیان تر و علنی شد، درست وقتی که کیس هفت تپه به یک موضوع سیاسی کشوری بدل شد، هم جناح های حکومتی و هم کارفرمایان متفرقه و عوامل شان به هفت تپه علاقه مند شدند. یکی هفت تپه را ابزاری برای تسویه حساب های جناحی می دید و آن دیگری پلاتفرمی انتخاباتی و حلقه ای آنطرف تر سلب مالکیت از اسدیگی ها را فرصتی برای تصاحب هفت تپه می دید. همه و هر کدام از سر منفعت خویش تلاش داشتند روی این مبارزه و جهت آن تاثیر بگذارند. طرفداران رئیسی و جلیلی و نسخه های بدلی احمدی نژاد ردای ضد فساد و عدالتخواهی برتن کردند. عدالتخواهی اگرچه در ذهنیت عامه مردم بار مثبتی دارد اما برای این عدالتخواهان بسیجی و حزب الهی دانشگاه رفته از یک بازننگری به واگذاری ها و روند خصوصی سازی فراتر نمیرفت. آنها، چه مکتلا و چه مغمم، پیروان مُتعبص اصلِ خصوصی سازی هستند و صرفاً از "خصوصی سازی" و دادن کار به "نا اهل" شکایت دارند. آنها براین باور سرمایه گذاری کرده بودند که میتوانند جلودار مبارزه با فساد و افشای موردی و سلکتیو فساد باشند، تا هم نظام را از زیر ضرب بیرون برند و هم اصل خصوصی سازی را و هم خاطر

در این میان باز سر و کله عدالتخواهان بسیجی پیدا شد تا از اصل مقدس نظام بورژوائی یعنی مالکیت خصوصی دفاع کنند. امثال محسن صباغی که یقه پاره میکردند که کارگران خواستههایشان فقط صنفی است و میخواهند کارگر صنف بماند، حکم خلع ید را انتقال از همان "خصوصی سازی" به "خصوصی سازی خوب" تبنین می کنند. او از انتقال مالکیت هفت تپه به "یک مجموعه متخصص و متعهد" و هدف این واگذاری را "به منظور اصلاح ساختار و ارتقای تولید" توضیح میدهد. همان حرفی که اتاق بازرگانی و سازمان خصوصی سازی و امام جمعه و سپاه و مجلسیون و خود رئیسی میزند. اینها خود را به نشیندن میزنند که هزار بار تکرار شده که فقط خلع ید از اسدیگی سوال نیست، خلع ید از بخش خصوصی سوال است، اگر اسدیگی و رستمی هدف کنونی اند دلیلی جز این ندارد که اینها مالکین کنونی بوده اند.

کارگران هفت تپه به این سیاستها و اهداف نهادهایی که در کمین بالا کشیدن مجدد هفت تپه هستند اشراف دارند و در اظهارات شان بسیار صریح گفته و نوشته اند که هیچ فرم از بخش خصوصی را در هفت تپه قبول نخواهند کرد. عدالتخواهان بسیجی بهتر است "تخصص" و "تعهد" شان را در همان بسیج و حوزه بکار گیرند و اگر هنری در جلوگیری از فساد دارند در همان منابع اصلی فساد نشان دهند و خود را قاطعی مسائل کارگری نکنند. "تخصص" آقایان آوردن نماز جمعه به محل کار و ادای عدالت در آوردن برای کارگری است که از تبعیض و ستم بیزار است. "تعهد" حضرات نیز از تعهد به سود سرمایه دار و کارفرمای استثمارگر و قانون اساسی جامعه بورژوائی یعنی استثمار فرد از فرد و مالکیت خصوصی بر ابراز کار و تولید فراتر نمیرد. کارگران به "تعهد" و "تخصص" و طرح "تغییر ساختاری" شما نیاز ندارند و آنرا گوش هم نمیدهند تا چه رسد به اینکه برسمیت بشناسند.

بعد از خلع ید بازسازی هفت تپه در سطوح مختلف از سازمان کار تا سیستم اداری، از شورای مستقل کارگری تا امر نظارت بر امور، از رفاه و امنیت شغلی تا اشتغال بیشتر صورت مسئله هفت تپه است. همینطور هفت تپه و پرچمی که با قدرت بر قله پیروزی کوبیده است، بارقه هایش در سراسر کشور علیه خصوصی سازی، علیه شرکتهای پیمانی و قراردادهای ناامن و دستمزدهای چند بار زیر فقر کران تا کران پیداست. سخن گفتن از "خصوصی سازی خوب" در این میان پارازیت محسوب میشود.

خامنه ای مسئول قتل عام جمعی کرونا،

باید مجازات شود!

(صحبتی با مردم - رحمان حسین زاده)



پزشکی را به سخره گرفتند. زمانی که نهادهای پزشکی جهانی تصمیم به کمک رسانی به مردم کرونا زده کردند، دولت جمهوری اسلامی طبق دستور مستقیم خامنه ای راه کمک رسانی به مردم را سد کرد. پزشکان بدون مرز و امکانات آنها را پس فرستادند. این را یکی از مهره های خودشان به نام "زالی" اعتراف کرده است.

مردم رنج دیده ایران!

فاجعه کرونا بیداد میکند. روزانه عزیزانمان را درو میکند. روز سه شنبه دوم شهریور ۱۴۰۰ به اصطلاح وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام کرد، در شبانه روز گذشته ۷۰۹ نفر به علت کرونا جان باختند. همین آمار قلابی آنها، تکان دهنده است. اما واضح است آمار واقعی مرگ و میر و ابتلاء را دهها برابر کمتر میگویند. روزنامه "جوان سپاه پاسداران" اعتراف کرده، آمار واقعی هفت برابر بیشتر از رقم کذایی وزارت بهداشت است. یعنی پنج هزار نفر، تازه آنها هم دروغ میگویند. برآستی فاجعه مهیبی است! تصورش سخت است که روزانه در ابعاد چند هزار نفر عزیزانمان جان میدهند و در سطح دهها هزار نفر به کرونا مبتلاء میشوند. اکنون شیوع قارچ سیاه را هم باید به این مصیبت اضافه کرد. برآستی داغدار شدن انبوه خانواده ها، بستگان، و دوستان هم محله ای و همشهری و کل مردم ایران غیر قابل تحمل است.

رنج و محنت و مرگ جمعی ناشی از کرونا حدود دوسال اخیر در دنیا و در ایران آزاردهنده و وجدان بشریت را تکان داده است. اما در اکثریت بالای کشورها با جاری شدن واکسیناسیون به درجه زیادی کنترل شده است. سؤال اینست چرا در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این چنین ابعاد فاجعه باری به خود گرفته است. همه شنیدیم، اکنون به نسبت جمعیت، ایران کشوری است که رتبه اول بدترین شرایط تلفات کرونایی را دارد! علت بر کسی پوشیده نیست، کارکرد جنایتکارانه، نامسئولانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی و سران آن فاجعه کرونا را به سطح غیر قابل تحمل رسانده است. آنچه در ایران زیر حاکمیت اسلامی میگذرد، قتل عام جمعی به معنای دقیق کلمه است. مسبب این وضعیت سران جمهوری اسلامی و به ویژه رأس حکومت، یعنی خامنه ای جنایتکار مسئول اول و مستقیم سازماندهی قتل عام جمعی عامدانه ناشی از اپیدمی کرونا است.

بگذارید چند مورد از کارکرد ضد انسانی خامنه ای و سران جمهوری اسلامی را در برخورد به شیوع کرونا یادآوری کنیم. فراموش نکردیم، در آغاز بیماری کرونا در زمستان ۱۳۹۸ و در شهر قم، به جای اطلاع رسانی به مردم و تامین امکانات سلامتی و پزشکی و جاری کردن قرنطینه و دیگر اقدامات مقابله با خطر کرونا توسط حکومت، ابتدا واقعه را از جامعه پنهان کردند. وقتی ماجرا علنی شد، خامنه ای قصبی القلب با خونسردی اعلام کرد، "این ویروس کذایی" چیزی نیست و توطئه دشمنان است و پشت سر گذاشته میشود. با تبعیت از "رهبر" گله امامان جمعه و آخوندها و نوحه خوانان توسل به "دعا و جادوگری اسلامی و خرافه" و خود را بستن به "ضریح امامان" به جای رعایت استانداردهای پزشکی و سلامتی را تبلیغ کردند. اقدامات بهداشتی و

ضدیت خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی با سلامتی مردم در این سطح باقی نماند. فراموش نمیکنیم که خامنه ای جلال "ورود واکسنهای موثر" تهیه شده در آمریکا و انگلستان را منع کرد. اکنون بعد از اینکه فاجعه کرونا سراسر کشور را گرفته، به غلط کردن افتاده، این بار میگوید "واکسن وارد کنید". لذا به زبان خودش اعتراف میکند، دستور قبلی اش جنایتکارانه و دیگر بی محل است. بی دلیل نیست همگان میگویند، خامنه ای مجرم اول و مستقیم قتل عام جمعی کنونی به واسطه کرونا است، همانطور که خمینی جانی مسئول اول قتل عام جمعی دهه شصت و زندانیان سال ۶۷ است.

سران جمهوری اسلامی و خامنه ای عامل و بانی تحمیل گرسنگی، تشنگی، بی مسکنی، بیکاری و بیماری و فقر شدید و تبعیض و نابرابری و تحمیل جهل و خرافه و سازمانده جنایات تکان دهنده و جنگ و برپایی صحنه های صدها هزار اعدام و شکنجه و سربیه نیست کردن هزاران نفره و در یک کلام تبدیل ایران به اسارتگاه بزرگ برای شهروندان جامعه هستند. امروز کشتار جمعی فاجعه کرونا به پرونده سراپا جنایات همه آنها و به ویژه خامنه ای اضافه شده و در فردای پیروزی به این جرم بزرگ و کل جنایتهای دیگر که مرتکب شدند، به محاکمه و دادگاه سپرده میشوند و به سزای اعمالشان میرسانیم.

مردم حق طلب و معترض!

این وضعیت فاجعه بار را بیش از این نباید تحمل کنیم. بیش از این نباید شاهد مرگ انبوه و روزمره صدها و هزاران نفره عزیزانمان باشیم. اگر در دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ علیه فقر و بیکاری و گرانی در بالاتر از صد شهر به میدان آمدم، اگر همین یکماه قبل به دلیل بی آبی در دهها شهر خوزستان و سراسر کشور به میدان آمدم، این بار علیه مسببین قتل عام جمعی کرونا به میدان آییم. تجربه ۴۳ ساله گذشته به همه ما میگوید، خامنه ای و رژیمش نه تنها اهل تامین کردن امکانات پزشکی و قرنطینه کردن و تامین سلامت شهروندان نیستند، بلکه بانی تباهی حاکم بر جامعه اند. راه موثر شوریدن و سازماندهی مبارزه و قیام قاطعانه و متحدانه ما برای سرنگونی این رژیم است. میدانیم و تجربه کردیم، در افتادن با این نظام سیاه و سرکوبگر هزینه بردار است و تاکنون هزینه هم داده ایم. اما قبول وضع موجود و نظاره گر هر روزه گسترش مرگ و میر انبوه و ابتلای وسیع به کرونا و قارچ سیاه هزینه بسیار وسیعتر و بالاتر و دردناک تر از ما میگیرد. در نتیجه در مراکز کار و زیست، در هر شهر و محله، کارخانه و کارگاه و دانشگاه و محل تحصیل و اداره و هر جا اجتماع ما کارگران، زنان، جوانان و مردم متفرد از جمهوری اسلامی ممکن است، متحد و متشکل برای تامین معیشت، سلامت، واکسیناسیون همگانی و اداره شورایی جامعه به میدان آییم.

خامنه ای مسئول قتل عام جمعی کرونا، باید مجازات شود ...

در دوره اخیر جنبش اعتصاب کارگری گسترده در نفت و پتروشیمی ها، در هفت تپه و تعداد قابل توجهی از مراکز کارگری و همزمان تظاهراتهای شهرهای خوزستان و تعدادی از شهرهای سراسر کشور با ابتکار و همت فعالین کارگری و فعالین اعتراضات شهری راه به میدان آمدن و اعلام اعتراض را هموارتر کرده اند. اکنون وظیفه شبکه فعالین کارگری و اعتراضات توده ای، سازماندهندگان اعتصابات و اعتراضات تاکتونی است، با برداشتن گامهای بلندتر و مبتکرانه تر اتحاد و همگامی و همبستگی جنبش اعتصاب کارگری و جنبش اعتراضات شهری را ایجاد کنند. جنبش کارگری و توده ای هم بسته و متحد را به عنوان یک پیکره واحد و کوبنده در مقابل جمهوری اسلامی قرار دهیم.

فعالین و پیشروان اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای!

اوضاع جدید را دریابیم! مراکز کارگری و محلات شهرها را به کانون گرم مبارزات متحدانه علیه وضع موجود و حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. در مجامع عمومی و شوراها در مراکز کار و رشته های کارگری و در محلات شهرها متحد و متشکل شویم. با عزم و اراده، خواست فوری سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی، برابری، رفاه همگانی و اداره شورایی، را به سرلوحه مبارزات جاری خود تبدیل کنیم.

در این مبارزه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مثل همیشه در کنار شما و هم‌رمز شما و تشکل متحد کننده همه مبارزین آزادیخواه و برابری طلب برای پایان دادن به حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی و تحقق جامعه آزاد، برابر و تامین کننده رفاه و سعادت و خوشبختی انسانها است.

در این نبرد سرنوشت ساز، دست در دست هم بگذاریم و به صفوف حزب خود، حزب حکمتیست بپیوندید.

دولت را موظف کنیم:

- **بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!**
- **بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!**
- **کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار باشد!**
- **حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!**
- **هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!**
- **نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!**
- **کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!**
- **وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!**
- **پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!**
- **کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



ناپایداری را بوجود آورده است که بشر اگر بسرعت دست به کنترل و کم کردن این گازها نزند بحران مهاجرت میلیونی و جنگ بر سر آب تهدید جدی چند سال آینده خواهد بود. کشورهای مثل ایران که صادرات تک محصولی نفت و گاز دارند بیشتر در معرض فروپاشی قرار میگیرند.

رئییی در راس کابینه جنایتکاران حرفه ای!

جمال کمانگر

سرانجام مجلس شورای اوباش اسلامی مهر تایید بر مثنی جنایتکار و امتحان پس داده را به عنوان کابینه ابراهیم رئیسی سردسته جنایتکاران رژیم داد و وزارتخانه های مختلف را بین این جنایتکاران حرفه ای تقسیم کرد. رای بالا و سریع مجلس حکایت اورژانسی بودن اوضاع سیاسی و اقتصادی رژیم است. در حالی که روزنامه ها و سایتهای جناحهای مختلف رژیم کابینه رئیسی را در بوق و کرنا کرده اند که با تمام معیارها و شاخصهای موجود سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کاری به جز عمر خریدن برای رژیم نخواهند داشت!

رژیم از لحاظ مشروعیت سیاسی نزد مردم در نازلترین سطح قرار دارد. عدم شرکت گسترده در مضحکه انتخابات پایه های رژیم را به شدت به لرزه درآورده است. اعتصاب کارگران شرکتهای پیمانی صنعت نفت یک روز بعد از انتخابات پیام روشنی از طرف طبقه کارگر علیه وضع موجود بود. هرچند آن اعتصاب به نتیجه مطلوب نرسید اما زمان اعلام آن عدم مشروعیت انتخاب رئیسی را بیشتر از هر زمانی عیان کرد. مضمحل شدن جناح اصلاح طلب رژیم که سالها به عنوان ضربه گیر بین مردم و رژیم و نقش سوپاپ اطمینان را برای بقاء ایفا میکرد، نتیجه بلاواسطه عبور مردم از اصلاح طلبی و استحاله درونی رژیم بود. ظاهرا رژیم در مجلس اسلامی، قوه قضاییه و دولت همراه با گله اوباش امامان جمعه و نیروهای سرکوبگر سپاه و ارتش و انتظامی اش یک دست شده است اما به همان اندازه در مقابل مردم آسیب پذیر تر و بدون حائل است.

در بعد اقتصادی، اوضاع رژیم به مراتب بحرانی تر و هیچ کورسوی امید برای بهبود وضعیت معیشتی مردم وجود ندارد. ورشکستگی اقتصادی رژیم از دوره روحانی شروع نشده بود، بلکه بحران اقتصادی همزاد و با رژیم متولد شده است. بحران معیشت و بیکاری قیل از پاندمی کرونا با شدت و حدت تمام در جریان بود. طبق آمارهای رژیم که مربوط به سال ۱۳۹۸ است ۳۲ درصد از مردم ایران که بالغ بر ۲۶ میلیون نفر هستند زیر خط فقر زندگی میکنند. در این میان فقر میان کودکان ۳۸ درصد است و مسئله سوء تغذیه کودکان و بخشی از مردم تهدید جدی است که سالها قبل به آرامی در حال ریشه دواندن بوده است. فقط تورم مرداد ماه ۱۴۰۰ بالغ بر ۲.۴۵ درصد (آمار رسمی) بوده است. سخنان فاطمی امین وزیر صنعت، معادن و تجارت رژیم در مجلس اسلامی که گفت: "دو سال طول میکشد تا تورم را کنترل کرد" آب پاکی بود که روی دست سینه چاکان رژیم ریخت که منتظر بهبود اوضاع معیشتی مردم نباشید. زیر کلاه این سید جنایتکار هم هیچ خرگوشی نیست.

در بعد بین المللی هم چشم انداز بهبود اوضاع اقتصادی جهان تا چند سال آینده دور از انتظار است و به این اوضاع به شدت متغیر باید تغییرات سریع اقلیمی را اضافه کرد. افزایش گازهای گلخانه ای شرایط

رژیم اسلامی بسرعت از "انقلاب سبز" و تکنولوژی آن عقب مانده است. در نتیجه حتی اگر برجام هم به فرجام برسد! دیگر صادرات نفت ایران به روال سابق نخواهد بود. به همین دلیل است که رئیسی در اولین جلسه هیئت دولت اعلام کرد: "یقین دارم امدادهای غیبی به مدد ما خواهد آمد!" اما ما و مردم ایران نیک میدانیم که پاندمی کرونا نشان داد که نه "امداد غیبی"، نه "طب اسلامی"، نه "شاش شتر"، نه "روغن بنفشه" و نه "دعای هفتم صحیفه سجاده" به داد رژیم اسلامی نخواهد رسید!

مردم ایران ۴۳ سال است که قدم به قدم برای سرنگونی رژیم اسلامی خیز برداشته اند و علیرغم تلفات سنگین، به سیاست ارباب و سرکوب و زندان و کشتار تسلیم نشده اند. از دیماه سال ۹۶ روشنتر از گذشته پا به میدان مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم گذاشته اند. رژیم هر چند با سرکوب خشن آن اعتراضات برحق را برای مدتی به عقب راند اما پر قدرت تر در آبان ماه ۱۳۹۸ دوباره این جنبش سرنگونی طلبانه عرصه را بر رژیم تنگ تر کرد. اعتراضات و اعتصابات کارگری سال ۱۳۹۹ و متاخرترین اعتراض توده ای به کمبود آب در خوزستان نشان داد که اعتراض مردم به کلیت رژیم روز به روز رادیکالتر و هدفمندتر میشود. شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" میروید که به پلاتفرم این جنبش سرنگونی طلبانه تبدیل شود.

ما اعلام میکنیم رژیم اسلامی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رژیم ورشکسته و منفور نزد میلیونها نفر از مردم ایران است. "امدادهای غیبی" مد نظر رئیسی جنایتکار هم رژیم را از چنگ مردم عاصی نجات نخواهد داد. از نظر ما کمونیستها، راه حل بهبود وضع موجود نه در درون رژیم و نه بازگشت به گذشته دور دست است بلکه راه حلی که میتواند آزادی، برابری و رفاه و خوشبختی را برای جامعه ایران بیار بیورد یک سرنگونی انقلابی و یک راه حل سوسیالیستی است.



تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

۱- جامعه ایران در منگنه بحرانهای فزاینده و لاینحل در اعتراض و اعتصاب است. از کوبیدن رژیم در انتخابات تا امواج اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، صرفاً نوک کوه یخ پتانسیل قدرتمند اعتراضی در جامعه علیه وضع موجود است. بحران رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود. امروز این حرف قدیمی ما که رفع این بحران نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست بلکه با تعمیق ناگزیر آن زمینه ساز سرنگونی خویش را فراهم می آورد، به آگاهی عمومی بدل شده است. سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده و مسئله قدرت سیاسی را بعنوان کلیدی ترین سوال روز بجلو رانده است. حزب کمونیست کارگری- کمونیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، کسب قدرت سیاسی و برقراری یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه می کند.

۲- یک مشخصه مهم وضعیت کنونی تشدید کشمکش طبقاتی و قطبی شدن سیاست است. در بالا، نیاز بورژوازی حاکم به فشرده شدن و تغییر آرایش سیاسی جهت مواجهه با نخواستن جامعه و مبارزات رو به رشد کارگری است. لذا رئیسی برای اجرای یک پلاتنوم اقتصادی متمایز نیامده است، دوره این حرفها گذشته است، رئیسی چکیده ورشکستگی خامنه ای و ناتوانی نظام اسلامی در مقابل یک جامعه خشمگین و آماده نبرد است. اما سیاست سرکوب و ارباب، توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد. رئیسی قبل از اینکه بیان قدرت جمهوری اسلامی باشد، نشان ضعف و بن بست لاعلاج رژیم اسلامی است.

۳- سیاست دولتهای آمریکا و اروپا در قبال رژیم اسلامی، تامین کننده منافع آتی و آتی این دولتهاست. حمایت از اسلام سیاسی در ایران، تلاش برای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی، حضور نمایندگان اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف رئیسی جلا، بدلیل "عدم اطلاع" از کارکرد جنایتکارانه رژیم و شخص رئیسی از جانب دول غربی نیست. منافع و ترجیح سیاست خارجی آنها در منطقه ایجاب میکند که اولاً، جمهوری اسلامی را حتی الامکان رام کنند و سرپا نگهدارند. ثانیاً، از پتانسیل قوی کمونیسم و برابری طلبی در جامعه ایران وحشت دارند. علیرغم اختلافات درون طبقاتی با جمهوری اسلامی، منفعت استراتژیک و طبقاتی دولتهای غربی، آنها را کنار تداوم سلطه حکومت اسلامی سرمایه در مقابل جامعه ای میگذارد که یک حاکمیت اسلامی و استثمارگر را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن بپاخاسته است. هر زمان پایان حکومت اسلامی مُسجل شود، همین دولتها و سیاستمداران ریاکار پشت بورژوازی در حاشیه حکومت و اپوزیسیون میروند. اپوزیسیون بورژوائی ایران منتظر این لحظه موعود است.

اعتصابات کارگری - اعتراضات توده ای

دو رکن نبرد سرنوشت ساز

۴- اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای دو قلمروی سرنوشت ساز مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی است. همزمانی اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، ادامه دینامیزم خیزش آنان در کیفیت جدیدی است. برخلاف سال ۵۷ امروز با یک جامعه خودآگاه روبرویم که جنبشی حرکت میکند و نیاز اتحاد را می شناسد. آنچه امروز در جریان است، آغاز دور جدیدی از حضور فعال جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. این روند بدون تردید افت و خیز خواهد داشت و میتواند آشکال مختلفی بخود بپذیرد. جامعه ایران نظر به مشخصات سیاسی و صنفی طبقات و کشمکشهای جاری، آستن یک تحول ریشه ای و زیر و رو کننده، یک انقلاب اجتماعی است. جنبش سرنگونی رژیم اسلامی در سیر خود حول افق و راه حل چپ یا افق و راه حل راست پلاریزه میشود. جدال برسر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون راست پروغری و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند.

۵- اپوزیسیون راست پروغری، با شکست تاکنونی پروژه های آلترناتیو سازی و "رژیم چینج" و دوره ای سردرگمی، در کنار جمهوریخواهان و ناسیونالیست اسلامی ها، خود را با اوضاع جدید هماهنگ کرده اند. این نیروها، در هر ترکیبی و تحت هر پرچمی، نمایندگان بورژوازی ایران و اعاده نظم قدیم در دوره سرنگونی هستند. نیروی اینها را نباید دست کم گرفت، طرحهای ارتجاعی آنها را باید به شکست کشاند و منزوی کرد.

۶- جنبش کمونیستی کارگری تنها جنبشی است که با آمال و آرزوهای توده های میلیونی کارگران و مردم خواهان برابری و رفع تبعیض خوانائی دارد و به رادیکالیسم اجتماعی، به حضور گسترده طبقه کارگر، به برابری طلبی و آزادیخواهی، به سکولاریسم و ضد اسلامی بودن جامعه متکی است. حزب کمونیست کارگری - کمونیست تلاش میکند که جنبش کنونی برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

خط مشی تاکتیکی ما در دوره حاضر

۷- در این دوره حزب کمونیست همگام با رهبران کارگری رادیکال و سوسیالیست و پیشروان اعتراضات توده ای، در نقشه ای هماهنگ و هدفمند برای گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در سراسر ایران همه توان خود را بکار میگیرد. برای متحد و همگام کردن مبارزات کارگری و توده ای با اتکاء به شبکه مبارزاتی به هم مرتبط فعالین جنبش کارگری و جنبش توده ای، همه ظرفیتهای سیاسی و تشکیلاتی خود را بکار میگیرد. اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در پیکره ای واحد و هماهنگ، میتوانند قدم به قدم تناسب قوا را به نفع خود تغییر دهند و حول پلاتنوم و معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و از جمله خواستها و شعارهای "آزادی، برای، رفاه همگانی" و "معیشت، سلامت، واکسیناسیون" بمیدان بیایند.

۸- یک اولویت فوری حزب ما و فعالین کمونیست در این دوره اقدام به برپائی مجامع عمومی منظم و برپائی شوراها در مراکز کار و در محلات است. مراکز کار به عنوان مکان شکلگیری

بیانہ دفتر سیاسی حزب حکمتیست

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است ...

اعتصامات و محلات شہرہا بہ مٹابہ مکان شکل گرفتن اعتراضات شہری، بسترہای بسیار مساعدی برای ایجاد و گسترش جنبش مجامع عمومی و شورایی هستند. حزب حکمتیست فعالین کارگری و کمونیسٹ را در مراکز کار و محلات بہ ایجاد و گسترش مجامع عمومی و سازمانیابی شورایی فرامیخواند.

۹- شوراہا امروز ابزار تشکل و اتحاد و بسیج کارگران و تودہ مردم و از ارگانہای قیام در جدال برای سرنگونی هستند. تلاش ما اینست کہ دولت برآمدہ از قیام دولتی انقلابی باشد کہ نیروی طبقہ کارگر را برای تداوم انقلاب و حرکت بیوقفہ برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و پیشروی بسوی ایجاد سازمان سوسیالیستی نوین جامعہ رهنمون شود.

۱۰- حزب کمونیسٹ کارگری حکمتیست کارگران کمونیسٹ و رہبران عملی کارگران را بہ ایجاد سنگرہای کمونیسٹی، بہ متحزب شدن در مبارزہ جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعہ آزاد، خوشبخت و مرفہ سوسیالیستی فرامیخواند. حزب حکمتیست ظرف اعتراض رادیکال کارگری و مبارزہ انقلابی است. کارگران، کمونیسٹ ہا، زنان و مردان آزادیخواہ و برابری طلب، جوانان انقلابی! این حزب شماسٹ، بہ حزب تان بپیوندید!

مصوب دفتر سیاسی باتفاق آرا

۲۳ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۴ اوت ۲۰۲۱

جهان بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

کتاب: سرمایه و یکم

نقد کتاب: سرمایه و یکم

نقد کتاب: سرمایه و یکم



بحث رابطه ویژه سرمایہ با کار، قہرہای مسوومہ اقتصاد دانان بورژوا ازجملہ بورژوا پیکی است. در کتابش مشکل آنها معرفی نیست کہ گویا از منشاء سود و ثروت بورژوازی بی اطلاعند. "علم" اقتصاد بورژوازی کہ کارش کشکان منشاء سود و ثروت بورژوازی از طبقہ کارگر است بہ آنها ملامت کہ چگونہ اقتصاد سیاسی را از تہ سرمایہ دار بعنوان مجموعہ ای از پول و کار و ابزار تولید، آنچه کہ سرمایہ دار بورژواہ با آن سود کار دارد، تحلیل کنند تا منشاء سود و ثروت بورژوازی را کہ چیزی جز استثمار طبقہ کارگریست از این طبقہ کشکان کنند.

نقد کتاب توماس پیکی

سرمایه

در قرن بیست و یکم

حسین مرادیگی

منتشر شد!

(تهیه کتاب در سوئد)

نقد کتاب توماس پیکی

سرمایه در قرن بیست و یکم

نویسنده: حسین مراد بیگی (حمہ سور)

برای تهیه این کتاب بہ شمارہ تلفنہای زیر ارتباط بگیرید

مہدی طاہری ۰۷۲۳۰۲۹۰۸۲

محمود محمد زادہ ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶

کریم نوری ۰۷۰۴۴۴۱۵۵۵

قیمت کتاب ۱۰۰۰۰ کرون سوئد، با ہزینہ پست ۱۴۰ کرون

ہزینہ بہ این شمارہ تلفنہا میتوانید سوبیش کنید و بابہ شمارہ حساب زیر واریز کنید

PG: 650 115 - 9 IKF



وقتی روزنامه جوان پنهان نمی کند

کرونا و جنایت رژیم اسلامی

سعید یگانه

بحران کرونا در ایران جامعه را فلج کرده است. روزانه صدها نفر جان خود را از دست می دهند و دورنمایی برای پایان این شرایط اسفبار وجود ندارد. آنچه ما در ایران شاهد آن هستیم یک فاجعه انسانی به معنای واقعی است. مردمی گرفتار، که روزانه در اثر ابتلا به ویروس کرونا مثل برگ خزان می ریزند. کرونا اپیدمی جهانی است و تاکنون بیش از چهار میلیون قربانی گرفته است. بعد از بیشتر از یکسال و نیم از شیوع کووید ۱۹ و در شرایطی که در خیلی از کشورها با اقدامات به موقع و پیشگیرانه و واکسیناسیون رایگان، شیوع و میزان تلفات به حداقل رسیده است، در ایران به یمن جمهوری اسلامی، بحران کرونا به یک فاجعه انسانی تمام عیار تبدیل شده و انگاری آغاز اپیدمی است. امار مبتلایان و مرگ انسانها روز به روز بیشتر و خود سران حکومت عنوان می کنند که سیستم سلامت و بهداشت کشور در حال فروپاشی است. جمهوری اسلامی با اعمال سیاستهای غیر انسانی و جلوگیری از خرید واکسن، از آغاز تاکنون، از پاندمی کرونا برای بقای خویش بهره جست و آنرا به یک بحران فراگیر و غیر قابل کنترل تبدیل کرد. این شرایط را جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرد. به عمد، با دروغ و بی مسئولیتی و با فتوای خامنه ای، مردم را از اقدامات به موقع، امکانات لازم و واکسیناسیون محروم کردند. بعبارت دیگر ویروس کرونا بلای جان مردم و به فرصتی برای جمهوری اسلامی در راستای اهداف سرکوبگرانه و ضد انسانی تبدیل شد.

سه شنبه ۲۵ اوت، حریرچی وزیر بهداشت اعلام کرد که ۴۰ هزار نفر مبتلای جدید به ویروس کرونا و ۷۰۰ نفر تنها در یک روز تلف شده اند. اگر همین آمار را مبنا قرار دهیم که واقعی نیست، عمق یک فاجعه انسانی را به نمایش می گذارد. بیماران به دلیل عدم دسترسی به امکانات پزشکی مورد نیاز در بیمارستانها تلف می شوند. عمق این بحران و فاجعه را بهتر است از زبان روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران بشنوید. دکتر کورش هلاکوهی استاد اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران از آمار ۷ برابری مرگ بر اثر کرونا صحبت می کند. موج ششم کرونا برای نظام خطرناک است. روزنامه جوان به نقل از هلاکوهی می گوید "در باره آمار عبور رسمی میزان فوتی های کرونا از ۱۰۰ هزار نفر" نوشت؛ طبق آنچه ایرج حریری گفته است، آمار فوتی ها را باید دو و نیم تا سه برابر کرد، اما من می گویم شما می توانید که آمار فوتی ها را تا ۷ برابر کنید. هلاکوهی در ادامه گفته است که طبق آمارهایی که از ابتدای شیوع کرونا از مناطق مختلف کشور دریافت کردیم، متوجه شدم که در برخی از مناطق می توانیم آمار رسمی را تا هفت برابر کنیم تا به آمار واقعی برسیم و در شهریور ماه سال گذشته ما برآورد ۳۵۰ هزار مرگ داشتیم. روزنامه جوان باز به سخنان علیرضا زالی اشاره کرده است که فرمانده عملیات مقابله با کرونا در تهران نیز گفته است که "ما به سازمان جهانی بهداشت آمار

دروغ داده ایم". بنا به آماري که دولت اعلام کرده است تنها در مرداد ماه ۱۴ هزار نفر بر اثر کرونا فوت کرده اند. این آمار را به گفته هلاکوهی نه ۷ برابر، بلکه ۳ برابر کنید، یعنی در مرداد ماه دست کم ۵۰ هزار نفر قربانی سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی شده اند. پیک پنجم هنوز تمام نشده، از پیک ششم صحبت شده است و این زنجیر نکبت پایانی ندارد.



فاجعه بخصوص از آنجایی آغاز شد که خامنه ای جنایتکار واردات واکسن از آمریکا و انگلیس را منع کرد، کمکهای سازمان جهانی بهداشت و پزشکان بی مرز را رد کردند. بز تولید واکسن برکت هم بیشتر اسباب مسخره شد. نتیجه همه این سیاستها و دروغها فجایی است که امروز دامن جامعه را گرفته است. جنایت بزرگی که جمهوری اسلامی از آغاز پاندمی مرتکب شد و هزینه انسانی، روانی و مالی آن را مردم می پردازند.

جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای مسئول تمام بدبختی ها و فلاکت مردم است. کشتار مردم به وسیله ویروس کرونا را باید به همه جنایاتی که تاکنون جمهوری اسلامی در حق مردم مرتکب شده است، اضافه کرد. بی آبی، بی برقی، گرانی و تورم و فلاکت و ویروس کرونا زندگی مردم را به نابودی سوق داده است. جمهوری اسلامی را باید از سر راه برداشت. انتخاب دیگری در مقابل ما کارگران و مردم رنجیده برای خلاصی از جهنمی که حکومت سرمایه داری اسلامی برآیمان ساخته است وجود ندارد. اکنون و در شرایط فعلی باید جمهوری اسلامی را برای تهیه واکسن استاندارد و واکسیناسیون سریع همگانی تحت فشار قرار دهیم. نباید اجازه داد که جان انسانهای بیشتری در مخاطره قرار بگیرد.

۲۵ آگوست ۲۰۲۱

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده
ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را
برپا کنید!

حکومت همه شمول

اسم رمز "مشارکت بر سر سفره خالی زحمتکش افغان"

نادر شریفی



تحمیل قدرت خویش است. تجربه خمینی و جمهوری اسلامی، حزب الله لبنان و بقیه شاخه های جنبش تروریستی اسلام سیاسی نشان میدهند که طالبان "هم فرقه ای های" خود را نیز تحمل نخواهند کرد. این بخشی از جوهر درونی اسلامگرایی در قدرت است. در افغانستان هم همینطور خواهد بود. به نمایش انتخابات

در جمهوری اسلامی نگاه کنید؛ علی خامنه ای برای "یکدست کردن حکومت" و در مقابله با خیزشهای مردمی حتی از قربانی کردن سرسپردگان خودی "اصلاح طلب" هم کوتاهی نکرد. نمونه دیگرش خمینی بود. او در آغاز از اینکه طلبه ای بیش نیست و قدرت نمی خواهد و طرفدار حکومتی "همه با هم" است، صحبت کرد. اول بازرگان و سپس بنی صدر را جلو آورد ولی پس از تحکیم پایه های قدرت جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری از حکومتی تا اپوزیسیونی را از سر راه برداشت. همانطور که آلمان ناسیونالیست ها و شیفتگان خمینی برای برابری زن و مرد، آزادی و رفاه و حقوق پایه مردم پیشیزی ارزش قائل نبودند، امروز همان سناریو در افغانستان در حال تکرار است. منتهی بار اول در ایران تراژدی بود و امروز در افغانستان کمدی! کمدی وحشتناکی که کسی نمیتواند به آن بخندد. چرا که همگان میدانند که با تثبیت قدرت طالبان چه بلایی بر سر زنان و جوانانی که ذره ای امید به زندگی در یک جامعه قابل تحمل تر در افغانستان داشتند، خواهند آورد. برای طالبان "حکومت همه شمول" فرصتی است تا پس از تثبیت خود، مخالفان دور و نزدیک را قلع و قمع کند.

علیه طالبان و اسلام سیاسی

افغانستان ویران شده در جنگ و عروج نیروهای عهد عتیقی از واقعیت سرمایه داری و طبقاتی بودن جامعه افغانستان چیزی کم نمی کند. عقب راندن جامعه، واپسگرایی و نابودی ارکان جامعه، بدون تردید نموده های مبارزه طبقاتی را ضعیف و حاشیه ای می کند. به همین دلیل نسخه سیاسی نیروهای رادیکال و سوسیالیست در چنین شرایطی آن سیاستی است که جامعه و هویت انسانی انکار شده را اعاده می کند. همانطور که در فلسطین برای بسط مبارزه طبقاتی باید تکلیف "کشور فلسطین" حل شود، در افغانستان امروز هم باید در درجه اول جلوی پاشیده شدن کامل شیرازه مدنیت جامعه گرفته شود. با پرتاب شدن طالبان بقدرت اوضاع بشدت بدتر خواهد شد. فرار و بیکاری میلیونی، گرسنگی بخصوص برای کودکان خیابانی، بیماری و اپیدمی کرونا می تواند در ابعاد وسیع در افغانستان قربانی بگیرد. امروز بیش از هر زمانی مهم است که از دل جامعه افغانستان، یک مقاومت توده ای، متشکل و متحزب در مقابل طالبان و مونتافین حکومتی سابق و بازیهای سیاسی دول منطقه و غرب شکل بگیرد و جامعه را حول خواسته های آزادیخواهانه متحد کند. پاسخ جامعه افغانستان و جوامع اسلام زده، طالبان یا "اسلام معتدل" و "حکومت همه شمول" تروریست های متفرقه نیست، یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی سکولار است. امروز کار هر سوسیالیست و رادیکال و مخالف جدی حکومت طالبان، سازماندهی حول مقاومت علیه طالبان و هر دولت اسلامی است. این پتانسیل در افغانستان موجود است و نیازمند حمایت و همبستگی همه جانبه است. *

پس از سقوط برق آسای دولت پوشالی افغانستان، فرار غنی و تسلیم شهرها و مناطق توسط ارتش تا دندان مسلح ۳۰۰ هزار نفری به طالبان؛ از فرماندهان نظامی که با نزدیک شدن نیروهای طالبان اونیفرم ارتشی شان را با لباسهای جهادی طالبان عوض کردند، تا معاون رئیس جمهور، مشاور رئیس جمهور، رئیس و معاون اجرائی، بخش اعظمی از نمایندگان مجلس دولت ساقط شده، همگی طرفدار دیالوگ حول تشکیل "حکومت همه شمول" شده اند. محمد محقق و کریم خلیلی، عطا محمد نور، اسماعیل خان و احمد مسعود همه از حکومت همه شمول صحبت میکنند. احمد مسعود در گفتگو با تلویزیون ایران اینترنشنال می گوید: "آماده تشکیل حکومت فراگیر با طالبان از طریق مذاکرات سیاسی است".

البته این استنباط که "حکومت همه شمول" حکومتی است که منافع هر چه بیشتر اکثریت جامعه را مد نظر میگیرد، حتی برای "طرفهای مذاکره" در افغانستان بیشتر به مزاح می ماند. در واقع حکومت همه شمول اسم رمز بازگشت بقدرت "رهبران جهادی" در حکومت آینده طالبان است. یعنی عفو خودیها و راه یافتن دوباره بقدرت از طریق دستیابی به مقامی در "امارت اسلامی" افغانستان. برای همین برای رهبران خودخوانده مسائلی مانند آزادی، برابری، حقوق زنان، رفاه، سلامتی و تامین حق معیشت زحمتکش افغانستان اکیدا جایگاهی ندارند چه برسد به اینکه موضوع بحث و اختلاف در مذاکرات با طالبان باشد. اینها، مانند هم خانواده هایشان در ایران از خاتمی، احمدی نژاد، روحانی، رئیسی و صفی از نانخوران مزدور مدافع رژیم اسلامی، تنها بدنبال منافع خودشان هستند ولی منافع قشری و طبقاتی خود را بنام "خواستهها و منافع مردم" بیان میکنند. هرکدام از این "رهبران" طی بیست سال حکومت فاسد سرمایه داری در افغانستان، فقط برای خود ثروت اندوزی کرده اند، شهرکها و قصرها ساخته اند، با ماشینهای ضد گلوله در خیابانهای کابل رفت و آمد کرده اند و فرزندان شان را برای "تحصیل" به اروپا و آمریکا فرستاده اند. برای چند پشت شان دزدی کردند، برای چنین روزهایی که از قدرت ساقط می شوند، ویلاهای لوکس از استانبول گرفته تا دوبی پیش خرید کرده اند و حساب های بانکی شان را در کشورهای مختلف انباشته اند.

مخاطب دیگر این "مذاکرات" برسر حکومت همه شمول، طالبان است که ظاهراً آنها نیز با مذاکره حول حکومت همه شمول مخالفتی از خود نشان نمی دهند. طالبان و حامیان شان در پاکستان و قطر در صدد دادن سهم کوچکی به برخی از این "رهبران جهادی" هستند. بطور مثال چند تن را در حکومت آینده امارت اسلامی به شکل نمایشی و سمبولیک نصب می کنند تا به دنیا نشان بدهند که، "نه طالبان امروز، طالبان دیروز است و نه حکومت دیروز طالبان، حکومت امروز طالبان است". اما برخلاف توهمات از سفره رانده شدگان دیروزی، مذاکره حول "حکومت همه شمول" برای طالبان تنها وقت خریدن برای تثبیت و

یادداشتہا

سیاوش دانشور



خامنه ای به جرم کشتار جمعی باید محاکمہ شود!

با کرونا ہفت صد ہزار نفر را بہ قتل رساندند

روزنامہ حکومتی و راست جوان اعتراف کرد کہ "آمار مرگ و میر کرونا ہفت برابر آمار رسمی است". آمار دولتی صد ہزار نفر است و روزنامہ جوان از ہفت برابر یعنی ہفتصد ہزار نفر سخن میگوید. این یک نسل کشی است و باید بہ ہمین عنوان با آن برخورد کرد.

مسئولان حکومت، در راس آنها خامنہ ای، مسئولین وزارت بہداشت، کسانی کہ مانع خرید واکسن و واکسینہ کردن مردم شدند، آگاہانہ و عامدانہ دست بہ قتل عام خاموش شہروندان با استفادہ از پاندمی کرونا زدہ اند. خامنہ ای و مسئولین این جنایت ہولناک باید محاکمہ شوند!

علیہ #طالبان

• طالبان و امارت اسلامی ہنوز "رژیم طالبان" نیست، تلاش دارد بشود. رژیم نامیدن طالبان از ہم اکنون، آگاہانہ یا سہواً، نوعی برسmit شناسی سلطہ طالبان است.

• دولتہای غربی نیز طالبان را غیر مستقیم "رژیم طالبان" میدانند، صرفاً ملاحظیات و درخواست شان را از طالبان طرح میکنند. درخواست از دولتہا کہ "طالبان را برسmit نشناسید"، این واقعیت را اغماض می کند کہ ہمین دولتہا از آمریکا تا دول مرتجع منطقہ با طالبان مذاکرہ و افغانستان را تحویل طالبان دادند. اینہا خود از مسببین این وضع اند.

• برسmit نشناختن طالبان توسط دولتہا و باز کردن مرزہایشان بہ روی آوارگان، مینیم کاری است کہ باید و بفوریت انجام دہند. اینہا ہنوز جبران ذرہ ای از گند بزرگی نیست کہ بالا آورده اند. آنہا جامعہ افغانستان را طی یک معاملہ کثیف بہ گروگان طالبان درآوردند. اینہا متہم اند و نہ حامی!

• طرح بہ قدرت پرتاب کردن مجدد طالبان، یعنی تا اطلاع ثانوی تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی برای نظام سرمایہ داری امروز کارائی دارد. آمریکا و غرب دستور کار سکولاریستی در منطقہ ندارند، "صدور دمکراسی" بیشتر روکشی شیک برای "عملیات پیشگیرانہ" و قلدری میلیتاریستی در متن رقابتہای منطقہ ای و جهانی بود کہ محصولاتش نیروہای تروریستی اسلامی سیاسی است. لذا دستور کار کمونیسٹ ہا و رادیکالہا و سکولارہای

در بارہ فیلم دوربین های زندان اوین

گروہ "عدالت علی" فعلا معلوم نیست کیست و چیست، اگر بازی کنترل شدہ نیروہای امنیتی برای اہداف دیگر نباشد، از نظر فنی ہک دوربین ہا و سیستم اینترنال و کپی ہارد دیسک ہا عملی است. اما فیلمہائی کہ تاکنون پخش شدہ خیلی سلکتیو و "معمولی" است. لطفا کسانی کہ از دیدن این فیلم بحق جریحہ دار شدند از صفت "معمولی" برآشفته نشوند.

برای کسی کہ تجربہ زندان دارد، آنچه کہ تاکنون پخش شدہ قطرہ ای از دریا نیست، تصویر واقعی اوین و زندانہا این نیست کہ دیدیم. جفتک پرانی یک درجہ دار و چند مامور اوباش در زندان، آدمہا را بی دلیل زیر رگبار مشت و لگد گرفتن و بعد جسم از حال رفته را گوشہ ای پرت کردن، از دستگرمی های روزمرہ زندانبانان است. کھریزک را یادتان رفتہ؟ ترانہ موسوی را یادتان رفتہ؟ اوین و زندانہا در دہہ شصت را یادتان رفتہ؟ زندگی در تابوت و "قیامت" را فراموش کردید؟ خوش آمدگویی بہ زندانی و پھن کردن فرش قرمز در مسیر تونل مرگ و وحشت را نشنیدید؟ کشتہ شدن زیر کابل را چطور؟ تجاوز شرعی و اسلامی بہ زندانبان، بطری نوشابہ و باتوم و ... بہ گوشتان خوردہ؟ زیر ہشت های سہ برابر مدت زندانہای اسرائیل چطور؟

این لیست تہ ندارد. بگذار اینطور بگویم کہ ہر آنچه روش و متدہای شکنجہ و تجربہ موساد و سیا بود و در ساواک پهلوی استفادہ میشد، در سطح بالاتری باضافہ توحش اسلامی در زندانہای جمہوری اسلامی ترکیب و با اشکال جدیدتر شکنجہ و استفادہ از دارو آبدیت شدہ است. نحوہ رفتار بازجویان و سطح شکنجہ تابعی از آنست کہ با چہ کسی طرف ہستند و چی میخوانند و اینکہ جنگ نابرابر در اتاق شکنجہ

یادداشتها ...

مرزها را باز کنید، این زمین به همه تعلق دارد!

در حمایت از #پناهجویان #افغانستانی

متأسفانه دنیای امروز حیاط و فضای آزاد و کوچه و پس کوچه ندارد. اگر منزل شما آتش بگیرد نمیتوانید به جایی دیگر برای نجات جانتان بروید. بورژوازی همه چیز را از زمین و هوا و فضا تصاحب کرده است و مهر و نشان ملی و ناسیونالیسم بر آن کوبیده است. آب و خاکی که امتداد هم و بطور طبیعی غیر قابل تفکیک است، مصنوعاً با سیمهای خاردار و دیوارها و مرزها تفکیک شده اند. تفکیکی که تاریخی از خونریزی برای تعیین این حیاط خلوت قدرت بورژواها را پشت سر دارد. آنچه در این میان اهمیتی ندارد هویت عام و حقوق یونیورسال انسانهایی است که برخلاف میل و انتخاب خود در این یا آن گوشه این کره خاکی چشم به جهان گشوده اند و داغ لعنت این یا آن مذهب و ملت بر پیشانی شان کوبیده شده است.

صف آزادیخواهی و انساندوستی، صف کمونیستهایی که همواره خود را در تقابل با این تقسیمات ملی و ناسیونالیستی و منافع مُرتب به آن دانسته اند، جنبشی که از آزادی سفر و حق انتخاب دفاع کرده و هیچکس را "بیگانه" و "غریبه" نمیداند، جنبشی که برای جهانی بدون مرز و آزاد و برابر تلاش میکند، موظف است از حقوق پناهجویان افغانستانی دفاع کند. پناهجو محصول جنگ و رقابت و کارکرد کشوری و منطقه ای و جهانی بورژوازی است. مادام که دنیا هنوز از زخم مرزها و دیوارها و توحش مذهب و ناسیونالیسم رنج میبرد، بورژوازی موظف است مسئولیت نتایج عملکرد خویش را بپذیرد.

بستن مرزها به روی قربانیان و آوارگان جنایت است. از جان و حق زندگی پناهجویان افغانستانی دفاع کنید. این انحصار بورژوازی و ناسیونالیسم، این نژادپرستی و خودپرستی و خودمحوری را نباید برسمیت شناخت. مرزها را باز کنید، هیچ انسانی بیگانه نیست، این زمین به همه تعلق دارد!

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانوناً زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

منطقه در گام اول تنها میتواند سرنگونی دولتهای اسلامی و استبدادی باشد.

• در افغانستان مقاومت در مقابل طالبان و برسمیت نشناختن آن مهمترین سوال روز است. طالبان را حتی اگر با اعدام و مانیپولاسیون و بند و بست مستقر کنند، مقاومت برای نپذیرفتن آن خاموش نمیشود. تهران و کابل دو جبهه اصلی تر این مقابله هستند. مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران، بیان وحدت جنبش سرنگونی طالبان ها در ایران و افغانستان است. زنان در افغانستان و ایران یک ستون محکم و اساسی مقاومت علیه طالبان اند.

• هر جنبش مقاومت علیه طالبان نیازمند یک حمایت بین المللی میان افکار عمومی پیشرو است. تحرکات و تظاهراتهای روزهای اخیر در کشورهای دنیا، حضور بخش مهمی از فعالین زنان و نسل جوان افغانستانی در کشورهای دیگر، ماتریال و ظرفیت راه افتادن یک جنبش بین المللی علیه طالبان را دارد.

• دولتها تاکنون کنار ارتجاع محلی و دولتهای متفرقه افغانستان و امروز کنار گروه طالبان اند. آنها سیاستی برای نفی طالبان ندارند. جنبش علیه طالبان در منطقه اما سیاستش نفی طالبان و ایجاد یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی و سکولار، تضمین برابری کامل زن و مرد و برچیدن قوانین اسلامی است.

#مرگ_بر_طالبان_چه_در_کابل_چه_تهران

COVID-19
Vaccine
رایگان
استانداردهای
بهداشت جهانی
برای همه

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!





شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

مرگ بر طالبان،

چه در کابل چه تهران!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تہیہ و تنظیم: سپیدہ امیر عسگری و آرش کلہر

طرح طبقہ بندی مشاغل، پرداخت سنوات و افزایش کیفیت وعده‌های غذایی از خواسته‌های آنهاست که تاکنون از سوی کارفرما نادیده گرفته شده است. این سومین بار است که در دو ماه گذشته، کارگران پیمانہ دست از کار کشیده‌اند.

ادامہ اعتصاب کارگران صنعت نفت در ۳۵ شهر
تا روز پنجشنبه ۴ شهریورماه، اعتصاب کارگران پروژه ای و پیمانی صنعت نفت و گاز همچنان در پالایشگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، نیروگاه‌ها و تأسیسات وابسته به این صنعت در شهرهای تهران، اراک، اصفهان، اهواز، آبادان، ماهشهر، جاسک، عسلویه، گچساران و ... ادامه دارد و به شصت و هشتمین روز خود رسیده است.

اجتماع بزرگ کارگران پروژه های نفتی در ایذہ
چهارشنبه سوم شهریور همزمان با شصت و هفتمین روز از آغاز اعتصاب کارگران پروژه‌های نفت، جمع زیادی از کارگران پروژه‌های ساکن ایذہ طبق فراخوان از پیش اعلام شده در محوطہ اشکفت سلمان اجتماع بزرگی را در حمایت از اعتصاب خود و تأکید بر خواست و مطالباتشان شکل دادند.

نشست نمایندگان کارگران اعتصابی هفشجان با پیمانکاران
روز پنجشنبه ۲۸ مردادماه نمایندگان کارگران پروژه‌های هفشجان که در اعتصاب به سر می‌برند در نشستی با برخی پیمانکاران به مذاکرہ و بحث و گفتگو حول شرایط کار کارگران پروژه‌های نفت پرداختند. در این نشست مقرر شد که پیمانکاران نیز ۵ نفر را بعنوان نماینده انتخاب کرده تا در جلسات پیگیری و تصمیم گیری و پیشبرد مطالبات کمپین مشارکت داشته باشند.

مصدومیت ۱۰ کارگر و یک آتش نشان
در آتش سوزی که حوالی ساعت ۱۹ و ۴۷ دقیقه جمعہ ۲۹ مرداد در شرکت «نیروکلر» واقع در شهرک صنعتی اشترجان استان اصفهان رخ داد، ۱۰ کارگر به همراه یک آتش نشان دچار مصدومیت شدند. ۵ نفر از مصدومان حادثہ که همگی کارگران شاغل این کارخانہ هستند با حضور امدادگران پس از دریافت خدمات اولیه درمانی به بیمارستان‌های شهر مبارکہ منتقل شدند و مابقی که شامل ۵ کارگر دیگر و یک آتش نشان بودند، به صورت سرپایی تحت درمان قرار گرفته‌اند. شرایط نا امن محیط کار سالانہ منجر به لطمات جدی به کارگران می باشد کہ تعداد زیادی از کارگران به همین دلیل جان خود را از دست میدهند و یا دچار قطعہ اعضای بدن و معلولیت می شوند.

پاندمی کرونا یک ابزار کشتار مردم
آمار رسمی روزانہ مبتلایان کرونا به بیش صد ہزار و مرگ بیش از ۷۰۰ نفر رسید. روزنامہ های دولتی از ده برابر بودن این آمار سخن میگویند. آنچه در ماهہا، ہفتہ ہا و روزہای اخیر در ایران تحت حاکمیت سیاہ جمهوری اسلامی به دلیل فاجعہ بیماری کرونا میگذرد، قتل عام جمعی به معنای دقیق کلمہ است. خامنہ ای مجرم مستقیم و اصلی قتل عام دستجمعی مردم از طریق ویروس کرونا است!

رای قطعی خلع ید ہفت تپہ ابلاغ شد
روز یکشنبه ۳۱ مرداد، رای قطعی شعبہ ۵۵ حقوقی تہران دایر بر خلع ید ہفت تپہ بہ دولت و خریدار ابلاغ شد. بنابراین گزارش، بر این اساس مالکیت ہفت تپہ از خریدار خلع ید و بہ دولت واگذار می‌شود و با حکم صادرہ این مجتمع بہ دولت بازمی‌گردد.

چہل و یکمین روز اعتصاب کارگران ہفت تپہ
از روز ۲۸ خرداد کارگران شرکت ہفت تپہ اعتصاب گسترده را شروع کردہ بودند و در روز چہل و یکم و بدنبال اعلام رای خلع ید، در محوطہ شرکت و مقابل دفتر مدیریت دست بہ تجمع زدند. در این تجمع کہ بشکل مجمع عمومی برگزار گردید با توجہ تحقق یکی از خواستہا یعنی صدور رای قطعی خلع ید کارفرمای فاسد موقتاً بہ اعتصاب پایان دادہ شد و اعلام کردند پیگیر خواستہای دیگرشان خواهند بود. کارگران از جملہ اعلام کردند کہ حراست از ورود مدیریت کارفرمای خلع ید شدہ بہ شرکت و خارج کردن لوازم و امکانات شرکت جلوگیری کند.

دومین جلسہ محاکمہ فرزانه زیلابی وکیل کارگران نیشکر ہفت تپہ
جلسہ دوم دادگاہ خانم فرزانه زیلابی وکیل کارگران، در روز یکشنبه ۳۱ مرداد ماہ در شعبہ دوم دادگاہ انقلاب برگزار شد. اتهامات واہی و بی اساس وارد شدہ بہ خانم زیلابی: "اجتماع و تہانی برای ارتکاب جرم علیہ امنیت کشور، عضویت در گروه های معاند، تہین بہ رہبری و فعالیت تبلیغی علیہ نظام" می باشد. کارگران معترض کارخانہ ی نیشکر ہفت تپہ، روز یکشنبه در ۲۱مین روز اعتصاب خود، از «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران ہفت تپہ کہ مورد پیگرد دستگاہ قضائی جمهوری اسلامی قرار گرفته است، اعلام پشتیبانی کردند.

اعتراض کارگران پیمانکاری پالایشگاہ ہفتم عسلویہ
کارگران پیمانکاری فازہای ۱۷ و ۱۸ در پالایشگاہ ہفتم عسلویہ در اعتراض بہ بی توجہی بہ مطالباتشان دست از کار کشیدند. اجرای

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های

اعتراضی ...

مرگ کارگر شرکت داروسازی ارسطو ساوه

روح اله شمس کارگر شرکت دارو سازی ارسطو ساوه بر اثر انفجار رآکتور این کارخانه دچار مصدومیت شدید شده که متأسفانه پس از گذراندن ۱۱ روز در کما، جان خود را از دست داد. به بستگان و همکاران آقای شمس تسلیت می‌گوئیم.

مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از داربست

این کارگر ساختمانی در حین کار بر اثر شکستن داربست‌های فلزی از ارتفاع طبقه پنجم یک ساختمان سقوط کرد. این کارگر جانباخته ۲۲ سال سن داشت و متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده قبل از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. همدردی عمیق خود را با بستگان و همکاران این کارگر جوان اعلام می‌کنیم.

اعتراض کارگران شرکت آذرکام ارومیه

روز شنبه ۳۰ مرداد جمعی از کارگران شرکت آذرکام در ارومیه، در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی‌شان، دست به اعتصاب زده و در محوطه این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اعتصاب کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله

کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله روز یکشنبه ۳۱ مردادماه در مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. کارگران دلیل اعتصاب و اجتماع خود را مطالبه حقوق و مزایای قانونی خود اعلام کردند. حقوق آذر و دی ماه ۹۹، تسویه کامل سال گذشته و همچنین حقوق عقب مانده سال جاری از اهم مطالبات آنان می‌باشد.

اعتراض یکی از کارگران شهرداری بستان

صبح روز سه‌شنبه دوم شهریور یکی از کارگران شهرداری بستان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه و همچنین بیمه درمانی، و نداشتن پول برای درمان دست به حرکت اعتراضی زد. یکی از کارگران شهرداری بستان گفت: این شخص به دلیل ابتلا به کرونا، نداشتن بیمه و پرداخت نشدن حقوق از سوی شهرداری، توانایی مراجعه به پزشک را نداشت که به نشانه اعتراض، ابراز نارضایتی و درخواست مطالباتش جهت درمان خود، در مقابل درب ورودی ساختمان شهرداری بستان خوابید و از دیگر کارگران خواست برای حفظ سلامتی خود و دچار نشدن به کووید ۱۹ اداره را ترک کنند.

کارگران شهرداری سیده از عدم پرداخت معوقات مزدی خود خبر دادند

این کارگران که تعداد آن‌ها نزدیک به ۳۰ نفر می‌رسد، با بیان اینکه حدوداً دو ماه معوقات مزدی پرداخت نشده دارند، عنوان کردند: قرار بود شهرداری از منبع درآمدی که از فروش یک قطعه زمین شهری بدست آورده، مطالبات معوقه کارگران را پرداخت کند که تاکنون اقدامی صورت نگرفته است.

کارگران شهرداری سیده در استان اصفهان با اشاره به اینکه هر ماه مطالبات مزدی خود را با تاخیر دریافت می‌کنند، در ادامه گفتند: چندین ماه است که این شهرداری از طریق سرپرست مدیریت می‌شود. در طول چند سال گذشته روند پرداخت حقوق کارگران با تاخیر انجام می‌شود و هیچ تغییری نکرده است. در زمینه مشکلات مان به هر مسئولی هم شکایت می‌کنیم فقط شنونده است و هیچ اقدامی نمی‌کند. طی یک الی دو روز گذشته نیز تعدادی از کارگران به دفتر برخی مسئولان شهر مراجعه کرده‌اند اما هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

اعتراض کارگران شاغل در خطوط ابنیه فنی راه آهن

این کارگران به عدم پرداخت حقوق، بیمه و مطالبات قدیمی سال‌های ۹۸ تا پایان ۹۹ اعتراض دارند.

کارگران گفتند: حدود ۲۷۰ کارگر در خطوط ابنیه فنی راه‌آهن جنوب شرق با سوابق بالای ۱۵ سال تحت مسئولیت شرکت پیمانکار مشغول کار هستیم که علیرغم مطالبات جاری چندین ماهه از پیمانکار فعلی، هنوز موفق به دریافت مطالبات قدیمی سالهای ۹۸ تا پایان ۹۹ از پیمانکار قبلی خود نشده ایم. این مطالبه قدیمی مربوط به چندین ماه حقوق و اضافه کاری، سنوات، حق شیفت و جذب، حق ایاب و ذهاب و لباس کار و ... می‌شود.

تجمع رانندگان اتوبوسرانی قزوین مقابل استانداری

روز سه‌شنبه ۲ شهریور، رانندگان اتوبوسرانی الوند و مجدیه و مهرگان با تجمع مقابل استانداری خواستار مطالبات خود شدند. یکی از این رانندگان در تجمع گفت: "برای گرفتن حقمان تجمع کرده‌ایم؛ طی دو سال که از شیوع کرونا می‌گذرد اتوبوس‌های زیبای شهر، الوند و مهرگان که در مجموع ۴۰ ماشین هستند هیچ پارانهای دریافت نکرده‌اند!"

ادامه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در مرز خسروی

اعتصاب رانندگان کامیون در مرز پرویزخان خسروی ادامه دارد. علاوه بر این روز سه‌شنبه ۲ شهریور ماه ۱۴۰۰، رانندگان در مرز باشماق نیز با انتشار تصاویری اعتصاب خود را اعلام کرده‌اند. رانندگان از روز دوشنبه اول شهریور در اعتراض به انتظار طولانی و ندادن مجوز خروج و همچنین وضعیت نامناسب امکانات استقراری در مرز در مناطق مختلف کشور دست به اعتصاب زدند.

دستگیری رضا بهروزی معترض به عدم واکیسناسیون شهروندان

روز شنبه ۲۹ مرداد سه تن از ماموران امنیتی لباس شخصی به خانه آقای بهروزی مراجعه و وی را بازداشت و با یک دستگاه خودرو سواری به نقطه نامعلومی منتقل کردند. آقای رضا بهروزی پیش از این در چندین ویدیو با خطاب قراردادن خامنه‌ای خواستار پاسخگویی وی در رابطه با وضعیت نابسامان کشور و به خصوص ممنوعیت واکنس کرونا شده بودند.

رد درخواست اعاده دادرسی وحید افکاری

سعید دهقان، وکیل مدافع برادران افکاری طی یادداشتی در صفحه شخصی خود ضمن اعلام این خبر نوشت: "حتی اگر یکبار، ولو روزنامه‌وار پرونده را می‌خوانند، دلایل قانونی آنقدر بود که اعاده دادرسی درباره رأی با ۲۴ تناقض و ۳ دروغ پذیرفته شود. ۲۵ سال حبس فقط به استناد «علم قاضی»؛ بدون رعایت ماده ۱۴

ستون اخبار کارگری و حرکتهای

اعتراضی ...

۲۱۱ قانون مجازات"

نوید افکاری و وحید افکاری در تاریخ ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۷ و حبیب افکاری در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۷ در رابطه با اعتراضات سراسری مرداد ۹۷ بازداشت شدند و در جریان بازجویی‌ها برای اخذ اعتراف بارها مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته‌اند. این شهروندان توسط دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری شیراز مورد محاکمه قرار گرفتند و نوید افکاری به ۲ بار اعدام، ۶ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق، وحید افکاری به ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق، حبیب افکاری به ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند. نوید افکاری، کشتی گیر ایرانی در نهایت سحرگاه روز شنبه ۲۲ شهریور ماه ۹۹ علیرغم ابهامات جدی در پرونده و موج جهانی حمایت از وی در زندان عادل آباد شیراز اعدام شد. وحید و حبیب افکاری از اواسط شهریور ماه ۹۹ به بند عبرت (بند در بسته) که محل نگهداری زندانیان محروم از تماس تلفنی است منتقل شدند.

اعتراض بیش از ۵۰ وکیل دادگستری به بازداشت "وکلا دادخواه" شماری از وکلای دادگستری با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه، خواستار آزادی فوری و کلاهی بازداشتی شدند. امضاکنندگان این نامه، بازداشت "وکلا دادخواه" را محکوم کرده و خواستار برخورد و تحت تعقیب قرار دادن "خاطیان" شدند. امضا کنندگان، نه تنها بازداشت این وکلا را محکوم کرده، بلکه خواستار آزادی فوری آن‌ها شده‌اند.

شش نفر از وکلای دادگستری موسوم به "وکلا دادخواه": مصطفی نیلی، لیلا حیدری، آرش کیخسروی، محمدرضا فقیهی و فعالان مدنی مهدی محمودیان و مریم افراز بودند که در روز ۲۳ مرداد سال جاری بازداشت شدند. این افراد بر آن بودند علیه مقامات مسئول جمهوری اسلامی در ارتباط با سوءمدیریت و عدم اقدام به موقع برای واردات واکسن کرونا و مهار بحران برخاسته از آن شکایت کنند. لیلا حیدری در روز ۲۴ مرداد آزاد شد و با همراهی با شماری از وکلای دادگستری اقدام به تهیه نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه کرد.

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهادهای حکومتی و امنیتی، برای فرزانہ زیلابی وکیل شرافتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانہ زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه مسمیانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "مجرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شرافتمندی است که از مردم کارگر و زحمتکش دفاع می‌کنند. از فرزانہ زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!



جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهیم!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

زنده باد سوسیالیسم!